



روح‌الله علیزاده
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان
همکار در مرکز مطالعات آمریکا



علی ابراهیمی
استاد مدعو گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

اهمیت ژئوپلیتیک تایوان برای چین و سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا

چکیده

ایالات متحده آمریکا و تایوان، به دلیل عوامل مختلفی از جمله اعتقاد مشترک آن‌ها به دموکراسی و نظام‌های سیاسی مشابه، روابط نزدیکی داشته‌اند. این روابط نزدیک در طول جنگ جهانی دوم آشکار شد و سپس، تایوان در طول جنگ سرد، تحت سلطه ایالات متحده قرار گرفت. با این حال، با اهمیت فزاینده چین در امور جهانی، سیاست‌های ایالات متحده در قبال تایوان، نشان‌دهنده «حمایت بی‌قید و شرط» از این جزیره است که در حیات خلوت چین قرار دارد. به طوری که استدلال می‌شود، یک تایوان توانمند از نظر نظامی و اقتصادی برای ایالات متحده در مهار چین ارزشمند است. این سیاست، دلالت بر آن دارد که واشنگتن، به دنبال سیاست «باز موازنه سازی چین» در منطقه است و بخشی از این استراتژی را از طریق تقویت ائتلاف‌ها با متحدان خود در منطقه و در محیط همسایگی چین پیش می‌برد. تایوان در میان مؤتلفان آمریکا، به این دلیل اهمیت خاص می‌یابد.

که هم در همسایگی بلافصل چین قرار دارد و هم یک مسئله امنیتی جدی و حیاتی برای پکن، محسوب می‌شود که بسیار محل تمرکز و حساسیت است.

مقدمه

مسئله چین و تایوان، همواره یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات روابط بین‌الملل بوده است. از همان مراحل آغازین جدایی طلبی تایوان، دولت آمریکا این جزیره را مورد حمایت همه‌جانبه، قرار داده است؛ به طوری که تایوان به پشتوانه آمریکا تا سال ۱۹۷۱، نماینده کل سرزمین چین در سازمان ملل، به شمار می‌رفت. در مقابل، چین هیچ‌گاه موضع خود را در مقابل تایوان تغییر نداد و همچنان، این جزیره را استان «یاغی» و ناآرام خویش برمی‌شمرد. البته تا سال ۱۹۷۸، سیاست چین بر اساس «آزادسازی» تایوان قرار داشت، اما پس از آن، این کشور اهرم‌های متنوع سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را در راستای الحاق مجدد جزیره، به کار گرفت. بر این اساس، الحاق هنگ‌کنگ و ماکائو

به چین، به ترتیب در ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹، رهبران پکن را نسبت به الحاق تایوان نیز امیدوارتر ساخته است. از سوی دیگر، روند سیاسی تایوان، بیانگر آن است که احزاب استقلال طلب تایوانی، مانند حزب دموکراسی در حال پیشرفت، نسبت به هضم شدن در نظام اقتدارگرای پکن نگران هستند. آمریکا نیز تاکنون با فروش تسلیحات مورد نیاز تایوان، به حفظ امنیت جزیره کمک کرده و به این ترتیب، امنیت و تمامیت ارضی چین را مورد تعرض قرار داده است. البته موضع چین در برابر تایوان، آن قدر صریح است که به جز بیست کشور فقیر آفریقایی و آمریکای لاتین، بقیه کشورهای جهان از به رسمیت شناختن این جزیره خودداری کرده‌اند. در مقطع کنونی، چین روند «الحاق صلح آمیز» تایوان را به عنوان استراتژی مطلوب خویش، در نظر گرفته است. با وجود این، آمریکا سیاست مهار چین را با توجه به کشورهای همسایه‌ای که از اهمیت ژئوپلیتیک برخوردار هستند، دنبال می‌کند. تضعیف قدرت نرم چین به واسطه الگوی دموکراتیک توسعه تایوان

منابع قدرت سخت چین، همچنان در حال افزایش هستند؛ با این حال، پکن تلاش می‌کند تا با پرورش و به‌کارگیری قدرت نرم، بیشتر به اهداف قاطعانه‌تر و بالقوه تغییر وضعیت موجود روی بیاورد. در این زمینه، تایوان عنصر اصلی در دستور کار قدرت نرم چین است. قدرت نرم به‌عنوان ظرفیتی از طریق جذابیت یا جذب (به‌جای اجبار یا پرداخت جانبی) برای ترغیب دیگران به رفتارهایی است که در خدمت اهداف و منافع خود دولت قرار دارد. در این راستا، بزرگ‌ترین منبع قدرت نرم معاصر چین، توسعه اقتصادی بوده است. دستاوردها و رشد فوق‌العاده سریع و پایدار اقتصادی توسعه، باعث می‌شود تا در بسیاری از موارد، جهان در حال توسعه را شبیه خود نمود. در بخش قابل توجهی از جهان که توسط رژیم‌های غیر دموکراتیک اداره می‌شوند، دستیابی چین به یک تحول اقتصادی خیره‌کننده، ویژگی جذاب و توانایی ظاهری آن برای مقابله با بحران اقتصادی جهان، آسان‌تر از اقتصادهای پیشرفته بازار است. در این حالت، مدل

چین در خارج از کشور، چشمگیرتر و جذاب‌تر است. برای تایوان، پرورش و استفاده از قدرت نرم، به شدت تدافعی است و بر حفظ روابط و دستیابی به حمایت از ایالات متحده برای جبران یا جلوگیری از فشار پکن تأکید دارد. در این زمینه، از زمانی که تایوان به دموکراتیک سازی روی آورد، این عنصر قدرت نرم تا حد زیادی از تضاد در ارزش‌ها و نهادهای آن، از سوی تایوان سرچشمه می‌گیرد. دستاوردهای اقتصادی با نرخ رشد بالا و رسیدن به نهادهای تجارت جهانی - که از دهه ۱۹۶۰ شروع شد و در دهه ۱۹۷۰ صعود کرد - تایوان را به یک الگوی توسعه موفق و نمونه‌ای از مدل آسیای شرقی صنعتی شدن سریع، تبدیل نمود و ثابت کرد، برخلاف مدل توسعه چین، پیشبرد توسعه اقتصادی و اصلاحات دموکراتیک، در تقابل با یکدیگر نیستند. موضوعی که سبب شد تا آمریکا با اتخاذ سیاست‌های تقابلی نسبت به چین و تصمیمات حمایتی در قبال تایوان، به تقویت مدل الگوی توسعه این کشور روی آورد. به طوری که ایالات متحده با

متحدان و شرکای خود، می‌تواند به‌طور موفقیت آمیزی با چین، رقابت کند و دلیلی برای بدبینی درونی وجود ندارد. بر اساس تحقیقات، اقتصادهای ترکیبی ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و تایوان، بسیار بیشتر از چین هستند. به‌طور خاص، تسلط تایوان در تولید تراشه یا ریزپردازنده‌ها، به این معنی است که دارای یک جزء ضروری برای اقتصاد آمریکا، چین و اقتصاد جهانی است. البته پیش‌بینی‌های اقتصادی برای تایوان از اواخر سال ۲۰۲۰، رشد تولید ناخالص داخلی است که برای سال ۲۰۲۱، به بیش از ۳ درصد رسید و این رشد مثبت، حداقل تا ۲۰۲۵ ادامه دارد. علاوه بر این، هرگونه محدودیت در جریان تراشه‌ها یا ریزپردازنده‌ها از تایوان به چین، یک هدف سیاسی خواهد بود. اقتصاد چین در سال ۲۰۲۲، فاقد شتاب بوده است، به گونه‌ای که رشد اقتصادی - به احتمال زیاد - کمتر از هدف رسمی دولت، یعنی ۵٫۵ درصد خواهد بود و بیکاری شهری در حال حاضر، در بالاترین حد خود از اوت ۲۰۲۰ است. با توجه به اینکه انتظار می‌رود،

رئیس‌جمهور شی برای سومین دوره، قدرت در بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست در ماه نوامبر را به دست آورد، مقامات چینی مایل‌اند تا از هرگونه کندی بیشتر در رشد اقتصادی چین جلوگیری کنند. اختلال در سیاست چین واحد ۱ - قانون روابط آمریکا با تایوان از سال ۱۹۷۹، ایالات متحده سیاست «چین واحد» را حفظ کرده است که اکنون، توسط قانون روابط تایوان هدایت می‌شود. ایالات متحده، بیانیه‌های مشترک جمهوری خلق چین در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۸ و تضمین‌های رئیس‌جمهور رونالد ریگان در سال ۱۹۸۲ را به تایوان ابلاغ کرد. بر اساس این سیاست که حامیان، آن را اعتبار حفظ صلح برای بیش از چهار دهه می‌دانند، ایالات متحده در روابط رسمی با جمهوری خلق چین و در روابط غیررسمی با تایوان، به فروش تسلیحات می‌پردازد. در بیانیه‌های مشترک ایالات متحده و چین، ایالات متحده، دولت جمهوری خلق چین را به‌عنوان «تنها دولت قانونی» به رسمیت

شناخت، اما «موضع چینی که فقط یک چین وجود دارد و تایوان، بخشی از چین است» را تأیید نکرد. در این راستا، آمریکا تضمین‌هایی را به تایوان داده که شامل موارد زیر است: «روابط ایالات متحده با تایوان، باید از طریق موسسه آمریکایی AIT در تایوان - که یک شرکت خصوصی است - انجام شود. بسیاری از اقدامات مشابه مانند سفارت ایالات متحده که در جاهای دیگر فعالیت می‌کنند، باید صورت پذیرد. ایالات متحده، می‌تواند کالاها و خدمات دفاعی را به مقداری که برای فعال کردن توانایی دفاع شخصی کافی تایوان، مورد نیاز است، فراهم کند. رئیس‌جمهور موظف است تا به سرعت، به کنگره اطلاع دهد، در صورتی که هرگونه تهدیدی برای امنیت یا نظام اجتماعی - اقتصادی مردم تایوان و هر خطری برای منافع ایالات متحده به وجود آید، باید اقدام مناسبی توسط ایالات متحده در پاسخ به چنین خطری صورت بگیرد». در مقابل، قانون ضد جدایی جمهوری خلق چین در سال

۲۰۰۵، پکن را متعهد به تلاش برای «اتحاد صلح‌آمیز» با تایوان کرد؛ اما در مورد «جدایی» تایوان از چین، بیان می‌کند که اگر چین به این نتیجه برسد که احتمالات برای اتحاد مسالمت‌آمیز تمام شده است، «دولت باید از وسایل غیر مسالمت‌آمیز و سایر اقدامات لازم، برای حفاظت از حاکمیت و تمامیت ارضی چین استفاده کند». شی، رهبر جمهوری خلق چین، علناً این کشور را به تلاش برای اتحاد مسالمت‌آمیز، متعهد کرده است. او در اکتبر ۲۰۲۱، اظهار داشت که «اتحاد ملی مجدد با وسایل مسالمت‌آمیز، به بهترین وجه در خدمت منافع کشور و ملت چین است». با این حال، او نیز بارها و بارها هشدار داد: «هیچ‌کس نباید عزم، اراده و توانایی مردم چین برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی‌شان را دست‌کم بگیرد». مقامات جمهوری خلق چین، استدلال کردند که فقط مایل‌اند زمانی که واشنگتن به فروش تسلیحات پایان دهد، به طور جدی با تایوان مذاکره کنند. واشنگتن در مقابل، ضمن ادامه دادن به فروش تسلیحات، بیان

داشت که تنها یک تایوان از نظر نظامی ایمن، مایل به انجام مذاکرات سیاسی با پکن خواهد بود. با وجود این، فروش تسلیحات ایالات متحده، مانع مهمی برای اتحاد تایوان با پکن محسوب می‌شود. قانون روابط تایوان، این موضوع را بیان می‌کند که بر اساس سیاست آمریکا، «هر تلاشی برای تعیین آینده تایوان از راه‌های غیر صلح‌آمیز، از جمله بایکوت یا تحریم، تهدیدی برای صلح و امنیت غرب و منطقه اقیانوس آرام است که نگرانی شدید ایالات متحده را در پی دارد»؛ در این زمینه، دولت ترامپ حمایت آمریکا از تایوان را بیش از هر زمان دیگری از سال ۱۹۷۱ تسریع بخشید، به طوری که به فروش شصت و شش F-۱۶ در سال ۲۰۲۰ به تایوان کمک کرد. بازدیدهای عمومی و خصوصی توسط مقامات ایالات متحده و تایوان، افزایش پیدا کرد. در واقع، سیاست تجدیدنظرطلبانه ترامپ علیه چین، تأکید بر ارتباط با تایوان و سیاست عدم تبعیت از چین واحد بوده است. در ۹ ژانویه ۲۰۲۱، وزیر امور خارجه

(پمپئو) تمامی محدودیت‌های حاکم بر تعامل میان دولت‌های ایالات متحده و تایوان را حذف کرد؛ قانون مجوز دفاع ملی در سال مالی ۲۰۱۷ را امضا کرد که وزیر دفاع را تشویق می‌کرد تا «برنامه‌ای از مبادلات را در رابطه با افسران ارشد نظامی انجام دهد». در واقع، بر اساس قانون تضمین تایوان در سال ۲۰۲۰، فروش منظم تسلیحات به تایوان ترغیب شد. در عصر حاضر نیز اگرچه جو بایدن بر اصل «چین واحد» تأکید کرد، اما او پیش‌تر در دوم خردادماه امسال در یک کنفرانس خبری مشترک با «فومیو کیشیدا»، نخست‌وزیر ژاپن در توکیو، اظهارات متناقضی را برای تایوان بیان داشته و گفته بود که در صورت حمله چین به تایوان، مداخله نظامی خواهد کرد. ۲- عزیمت نانسو پلوسی به تایوان جدیدترین نقطه عطف در روابط ایالات متحده، تایوان و جمهوری خلق چین در سفر رئیس مجلس آمریکا به تایوان، رخ داده است. در سال‌های اخیر، برخی از اعضای کنگره، استدلال کرده‌اند که دولت آمریکا باید تا حدی دیدارهای مقامات ایالات متحده و تایوان را

آسیایی مانند ژاپن در مناقشات ارضی مربوطه با چین برسر جزایر در آسیا را نیز مجدداً تأیید کرده است؛ بنابراین، سفر خانم پلوسی به منطقه و حاشیه‌های مرتبط با آن، می‌تواند به یکی از مسائل اصلی شرق آسیا بدل شود.

نتیجه‌گیری

عزم دولت چین برای اتحاد با تایوان، همراه با تعهدات امنیتی ایالات متحده مربوط به تایوان، این کشور را به نقطه داغی تبدیل کرد که به طور قابل قبول، می‌تواند ایالات متحده و چین را به درگیری مسلحانه بکشاند. طیفی از تحولات و پویایی‌های جهانی، مشروعیت نقش آفرینی بین‌المللی آمریکا را به چالش کشیده است؛ اشغال شبه جزیره کریمه در اوکراین توسط روسیه، تداوم ناآرامی‌ها در عراق و جدیدتر از همه، روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، همگی کارآمدی نقش آفرینی نظم ساز آمریکا در صحنه بین‌المللی را زیر سؤال برده‌اند. در عین حال، آمریکا سال‌های گذشته را به جد، صرف تحکیم مراودات امنیتی-نظامی با متحدان خود در منطقه آیندو-

نقض سیاست چین واحد تلقی می‌شود که به موجب آن، آمریکا از سال ۱۹۷۹ میلادی، تایوان را به عنوان یک کشور، به رسمیت نشناخته است؛ زیرا رئیس مجلس به رئیس جمهور تسای گفت که «ایالات متحده، تایوان را رها نخواهد کرد». در پاسخ، پکن مانورهای آتش واقعی در مجاورت تایوان را اعلام کرد که در ۱۰ اوت، به پایان رسید. این موضوع با توجه به خودداری چین در استفاده از نیروی نظامی در کنترل تایوان، یک تحول نگران‌کننده بود.

طبق گزارش‌ها، آمریکا ناوهای جنگی‌اش را در دریای جنوبی چین، مستقر کرده است؛ زیرا واشنگتن، در حال تقویت بخش نظامی تایوان است و تلاش می‌کند، چین را به سمت انجام اقدام نظامی به منظور تضعیف و بی‌ثبات کردن رقیب خود سوق دهد. در واقع، بایدن با این اقدام، سیگنالی از قدرت ایالات متحده در مداخلات نکردن نسبت به چین را ارسال کرد. همچنین، این واکنش، تمایل ایالات متحده برای حمایت از سایر کشورهای

در تمام سطوح، برای بهبود سطح بالای ارتباطات بر اساس قانون سفر تایوان در سال ۲۰۱۸ تشویق کند. در این میان، پکن هم‌زمان به گزارش‌های منتشره در مورد سفر برنامه‌ریزی شده «نانسی پلوسی»، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به چین تائیه، واکنش شدیدی نشان داده و هشدار دادند که ارتش چین در صورت مواجهه با «نیروهای خارجی» -که استقلال تایوان را ترغیب کنند- «قاطعانه از حاکمیت ملی خود، دفاع خواهد کرد». در ۲۵ ژوئیه، سخنگوی وزارت خارجه چین، هشدار داد که اگر سفر رئیس مجلس محقق شود، «طرف چینی اقدامات محکم و قوی برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی، در پیش خواهد گرفت.» با وجود این هشدارها، سفر نانسوی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان، آن‌هم درست چند روز پس از برگزاری رزمایش نظامی در چین تائیه، همانند ریختن بنزین روی هیزمی بود که دو سوی تنگه تایوان را شعله‌ور ساخت و دور جدیدی از تنش‌ها را میان واشنگتن و پکن رقم زد. به اعتقاد پکن، این سفر



- Bush, Richard C. and Rigger, Shelley (2019), The Taiwan Issue and the Normalization of US-China Relations, The Carter Center Report.

- Congressional Research Service (2022), Taiwan: Political and Security Issues.

- deLisle, Jacques (2010), Soft Power in a Hard Place: China, Taiwan, Cross-Strait Relations and U.S. Policy, Foreign Policy Research Institute.

- Palit, Parama Sinha (2002), Dilemmas in the American policy towards Taiwan, Strategic Analysis Volume 26, Issue 4.

منابع

- سلیمانی پور لک، فاطمه (۱۴۰۱)، سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان؛ جلوه‌ای از مداخله‌گرایی بی‌ثبات ساز واشنگتن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۸۳۵۰.

- کرمی، جهانگیر و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۸)، هژمونی، ژئوپلیتیک و مناسبات چین آمریکا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱.

- Blackwill, Robert D. and Zelikow, Philip (2021), The United States, China, and Taiwan: A Strategy to Prevent War, Council Special Report No. 90.

پاسیفیک برای مواجهه با خیزش چین نموده است. بر این اساس، تصرف تایوان از سوی چین، در صورتی که با واکنش نظامی درخوری از سوی ایالات متحده مواجه نشود، می‌تواند بر اعتبار آمریکا در شبکه اتحادیه‌های نظامی - امنیتی آن کشور در آسیای شرقی، لطمه‌ای جدی وارد آورد. در چنین شرایطی، کشورهای همسایه ایالات متحده، دیگر نخواهند توانست بر روی همراهی آمریکا در بزنگاه‌های راهبردی، حساب باز کنند و خود این امر، می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را بیش از پیش، به سود چین دگرگون سازد. بر این اساس، حضور نظامیان آمریکایی در جزیره، تداوم عرض اندام ناوگان ایالات متحده در منطقه و فروش تسلیحات نظامی به منظور ارتقای توان بازدارندگی تایوان در برابر ارتش آزادی بخش را می‌توان سه مؤلفه اساسی از راهبرد آمریکا در قبال تایوان دانست که به مثابه سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا در مهار چین محسوب می‌شود.